

زیر آسمان فیروزهای

عکس خاطره دفاع مقدس

حبیب احمدزاده

● دیروز روز جهانی صلح و نیز شروع هفته دفاع مقدس بود. این نقطه در عکس دسته‌جمعی‌ای که می‌بینید بخش سبیه عراق و نقطه‌ای است که دشمن یعنی شروع به زدن شهر و پالایشگاه آبادان کرد و حدود ۴۰ سال پیش جنگ در ۱۵ سالگی برای من و در سنین دیگر از طفل پای به دنیا نگذاشته تا بسیاری از مردمان شهرم به نوعی آغاز شد. آن دورها، پشت سر ما در عکس، دودکش‌های پالایشگاه آبادان را می‌بینید که در تمام مدت هشت سال جنگ اگر کسی در این نقطه که امروز دسته‌جمعی با دوستانم و آن درجه‌دار عراقی که با محبت دست در گردن با ما عکس گرفته می‌ایستاد، بی‌شک یک قاب تصویر با روبان‌ی سیاه در سمت بالا و چپ به قاب‌های عکس خانه‌شان اضافه می‌شد، ولی همین افراد در عکس این روزها در کنار حدود یکصد پارک بازی که در مناطق سیل‌زده خوزستان به کوشش دیگر عزیزان خیر و مزین به نام شهدا و اهدا توسط آنان به کودکان محروم در حال نصب و راه‌اندازی است، تصمیم گرفته شد که یک پارک بازی در لبه آن سوی رودخانه خودمان (درست در پشت‌سرمาน در عکس و در لبه مرزی رودخانه ارون در باغ‌موزه دفاع مقدس آبادان) و یک پارک بازی حدودا در همین‌جایی که نتجسته‌ایم در سبیه عراق احداث شود و روز دیگر بر تابلوی آن چنین نوشته‌ای را کودکان عراقی به عربی خواهند خواند: (اهدایی به کودکان عزیز سبیه توسط شهیدان سعید



سیاح طاهری از ایران و نامر مطوری از سبیه عراق که هر دو در نبرد با داعش به شهادت رسیده‌اند). هنوز از آن بالا در حال سیر جهانی از ماده فراتررفته هستم که به قول سهراب سپهری مرا می‌خواند تا شاید وظیفه خود را در قیال دلیل آدم‌نم به این جهان به دور از هرگونه فلسفه‌تراشی برای تبلیلی مرا فراموش نکنم. ۴۰ سال پیش در چنین روزهایی با اهدا و برگشت کوله‌های خمیاره شلیک‌شده و عمل‌ناکرده ارتش یعنی به خودشان و امروز، نصب پارک بازی اهدایی جانبازان، خانواده‌های شهدای آبادان و نیز هنرمندان ایرانی در هر دو سمت رودخانه مرزی تا کودکان سبیه عراق و شهر آبادان بتوانند سوار بر تاب و سرسره همدیگر را در حال شادی، و نه جنگ ببینند و برای هم دست تکان دهند. در کتابی که در زمانه جنگ و حدود صدکیلومتری داخل خاک عراق می‌خواندم چنین نوشته بود: دلیل افسردگی انبوه جهان این است که ما آدم‌ها تنها در خواب رؤیاهایمان را می‌بینیم. و من باید بگویم بسیار خوشحالم که دوستانی، همچون شهید طاهری داشته و دارم ... که رؤیاهای‌شان را در آنها در بیداری می‌دیدند بلکه خود آن را می‌ساختند حتی اگر جسم بعضی‌شان را امروزه در کنارمان نداشته باشیم باز هم یاد همه شهدای هشت سال دفاع مقدس گرامی و گرامی‌تر باد.

اعلام برگزیدگان مرحله اول جایزه شعر احمد شاملو

● نتایج مرحله اول دآوری پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو اعلام شد. به گزارش ستاد خبری پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو، هیئت داوران این جایزه در بیانیه‌ای عنوان کردند: ضمن سپاسگزاری از همراهی شاعران و ناشران گرامی به اطلا می‌رساند ان میان آثاری که برای شرکت در جایزه شعر شاملو ارسال شد، ۱۵۸ عنوان واجد شرایط شرکت در جایزه بود و مورد داوری قرار گرفت. داوران بر مبنای دانش نظری شخصی و نیز معیارهای جایزه شاملو مجموعه‌ها را در برش از سه ماه به دقت و بارها بررسی کردند. از جمله این معیارها می‌توان به دوری از حدیث نفس در منطق بیانی آثار، درک حضور دیگری، پیوند شعر با جامعه، دل‌تکیک امر شخصی و غیرشخصی و به‌عبارتی تبدیل امر شخصی به رؤیای بشریت، اهمیت روابط انسانی، دید انتقادی، اعتراضی و نوآوری در زبان و خیال اشاره کرد. پس از جلسات بحث و تبادل نظر میان داوران، شش اثر به اتفاق آرا برای شرکت در مرحله دوم انتخاب شد. هیئت داوران دور اول ضمن اشاره به این نکته که حتی کتاب‌های راهیافته به دور دوم با برخی از معیارهای جایزه شاملو از قبیل نوآوری در زبان، تحول، تعهد اجتماعی و مسئولیت تاریخی تطبیق همه‌جانبه نداشتند، اسامی کتاب‌های راهیافته به دور دوم را به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر اعلام کردند:

۱- از رنج اشیا، نگین فرهودی، نشر حکمت کلمه؛
۲- بهار بیداری خرس‌هاست، حمید میرزقی، انتشارات هزاره ققنوس؛
۳- سفر سفر، وحید داور، نشر حکمت کلمه؛
۴- لالکی، علی اسداللهی، نشر ارمغان کلمه؛
۵- و احتمال چاقوی ابراهیم، سیدرضا ملکی، نشر مانیا هنر؛
۶- و من فقط نگاه می‌کنم، افسانه مرادی، نشر حکمت کلمه.
داوران مرحله اول پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو، علیرضا آدینه، فرزاد کریمی و سعدی گل‌بیانی هستند.



فرانک آرتا

کندوکاومسائل مبتلابه سینمای ایران یکی از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخت. سینمای ایران سال‌هاست با مشکلاتی مانند ضعف فیلم‌نامه، افزایش بی‌رویه دستمزد بازیگران، بی‌عدالتی در پخش فیلم‌ها و چندین مسئله ریز و درشت دست‌وپنجه نرم می‌کند: جدا از آن، مطالبات نسل جوان بروزن این مشکلات می‌افزاید. ضمن اینکه بزرگان سینمای ایران هم در خبر و حضر از وضعیت فیلم‌سازی رنج می‌کشند: به‌همین دلیل سراغ «بهمن فرمان‌آرا»، کارگردان سینمای ایران رفتیم تا درباره چرایی مشکلات صحبت کند و درعین حال بنا بر سابقه هنری‌اش، تجربیات خود را انتقال دهد.

کآ این روزها مشغول چه کاری هستید؟

آخرین فیلم‌نامه‌ام که پروانه ساخت گرفته، «سوختن در آب، غرق‌شدن در آتش» نام دارد که از شعر چارلز بوکوفسکی گرفته شده؛ اما جالب این است که چهار ماه است به آن پروانه ساخت داده‌اند! اما به دلایلی – که به من نمی‌گویند - اعلام رسانه‌ای نکرده‌اند!

کآ چرا؟

از من نباید پرسید. اعلام نکرده‌اند دیگر! من هم خیلی دراین‌باره عجله نکردم. هر زمان بودجه این فیلم فراهم شود- یا بودجه کنترل‌نشده - شروع می‌کنم؛ چون فیلم «حکایت دریا» که دوسالو و نیم قبل کار کردیم، با اینکه ۴۰ نفر در هتلی در رامسر اقامت داشتیم، یک‌ونیم میلیون هزینه داشت و خانم‌ها معتمدآریا، لیلا حاتمی و آقاییان علی نصیریان و صابر ابر هم در فیلم حضور داشتند. لوکیش فیلم‌نامه جدید در تهران خواهد بود و برآوردش چهار میلیارد تومان شده است.

کآ چرا زیاد شده؟

به دلیل افزایش هزینه‌ها؛ مثلا قیمت وسایلی که قبلا مبلغ اجاره‌شان یک میلیون بوده، الان شده سه میلیون!

کآ البته بالا رفتن بی‌منطق دستمزد بازیگران!

بله. البته بازیگران بزرگی هم در فیلم نداریم. فعلا که بودجه جور نشده، دو سال قبل بعد از اینکه پروانه ساخت سریال نمایش خانگی «داستان جاوید» را گرفتیم و براساس رمان آقای اسماعیل فصیح بود، به مدت هفت ماه پیش‌تولید داشتیم؛ حتی آقای اثباتی ماکت مکان‌ها را در درست کرد و جلو رفتیم؛ اما بعد از هفت ماه گفتند دست نگه دارید! آقای پارسانلی گفتند دو نفر از سوی شورا عوض شده و کار متوقف شد! الان این سریال از سوی اسپانسر می‌مکن است بودجه‌اش نمی‌توانیم کار را کلید بزنیم؛ چون دو خانه قاجاری در فیلم‌نامه وجود دارد که باید در سوله ساخته شود.

کآ یعنی خانه واقعی وجود ندارد؟

وجود دارد؛ اما میراث فرهنگی به‌درستی اجازه نمی‌دهد کاری در این خانه‌ها انجام دهیم؛ مثلا میخی به دیوار بکوبیم یا رنگ بزنیم. اگر این دو خانه را در سوله بسازیم، اولاً کاملاً در اختیارمان است و دوم اینکه مطابق فصل منظرمان پیش می‌رویم.

کآ درواقع استودیو درست کردید...

بله. ضمن اینکه معادل فضای بیرونی را هم می‌توانیم در ده کن سابق پیدا کنیم یا «مجلس» را نمی‌خواهیم بسازیم. دو خانه قاجاری که ۹۰ درصد فیلم در آنها می‌گذرد و یک قسمت از میدان مختاری قدیم که باید ساخته شوند. کیه ببینیم که «ماشین دودی»، اما کجاها درست می‌کنند.

کآ پس وقتی «شازده احتجاب» را می‌ساختید، آن خانه هم در سوله بود؟

خیر. آن خانه در مالکیت شخصی کسی بود و همه آن کارها را در خانه انجام دادیم.

کآ یعنی در خانه دست بردید؟

خیر! اما جاهای مختلفی داشت که می‌توانستیم تغییر دهیم.

کآ الان آن خانه موجود نیست؟

خیر. شهرداری آن خانه را خراب کرد!

کآ کجا بود؟

چهارم دروازه دولت. الان یک ساختمان جدید به جایش ساخته شده! اگر این دو خانه را درست کنیم، فصل‌ها و شب و روز دست ماست و سریع‌ترین زمانی که می‌توانیم برای سریال ۴قسمتی کار کنیم، این است که این خانه‌ها را بسازیم و چون ماکت دقیق خانه‌ها را داریم، کار راحت‌تر پیش می‌رود.

کآ اما همچنان نگفتید که دلیل تعطیلی سریال چه بود؟

موضوع همین است! کاری ندارم که آقای پارسانلی درحالی‌که رئیس یک قسمت سازمان سینمایی است، خودش نمایش کارگردانی می‌کند، از اینهایی که بلیت ۲۵۰ هزارتومانی می‌فروشند؛ اولیور توئیست، بنیوان، مری پاپینز و... این را هم نفهمیدیم کسی که منصب اداری دارد و به لبه یا خیر، پروژه‌های مختلف را تعیین می‌کند، چطور اجازه دارد نمایش کار کند؛ درحالی‌که بقیه باید منتظر اجازه باشند! کار سوسمی که من در حال اجاره‌گرفتن هستم، نمایش‌نامه «شیاطین» به نویسندگی جان وایکینگ در قرن ۱۷ فرانسه است. اینکه آن زمان افرادی را متهم کردند که شباهه عامل شیطان هستند و باعث شدید شیطان در آنها‌ها حلول

کند و برای تهمتی که به او می‌زنند، شخصیت اصلی سوزانده می‌شود؛ البته تمایل ندارم در تالار اسپیناس کار کنم. تالار وحدت مناسب است و منوچهر شجاع در حال طراحی صحنه است. همه کارها باید کمی جلو برود؛ بنابراین‌بی‌کاری نیستم و مشغول این کارها هستم. کآ به متن نمایش‌نامه ممیزی نخورد؟

خیر؛ چون ربطی به اینجا ندارد. خوشبختانه زمانی که خواستم «مردی برای تمام فصول» را کار کنم، به یک فحش ایراد گرفتند که ما هم موافق بودیم و حذف کردیم.

کآ چرا فیلم «حکایت دریا» اکران نمی‌شود؟

«حکایت دریا» دوسال‌ونیم است که قرار است اکران شود. متأسفانه پخش فیلم در ایران در یک مدار بسته می‌چرخد. کسانی فیلم می‌سازند که از روز اول می‌دانند فیلمشان در عید اکران خواهد شد؛ به دلیل شرکتی که سرمایه‌گذار و پشتیبان اوست و مسائل دیگر. ما در ایران گرفتار چیزی شده‌ایم که سال ۱۹۴۷ در آمریکا دستور دادند که افراد نمی‌توانند هم‌زمان هم صاحب سینما، هم تهیه‌کننده و هم پخش‌کننده باشند، چون چنین موقعیتی ممنوبلی است، بنابراین قانون گذاشتند هر کسی می‌تواند یکی از شغل‌ها را داشته باشد. ما الان گرفتار همان شده‌ایم؛ یعنی صاحبان سینماها و کسانی که با سالن سینماهای مهم در ایران قرارداد دارند، خودشان تهیه‌کننده هستند و بهترین زمان اکران به فیلمشان تعلق دارد. این یک مشکل است. اشکال عمده دیگر این است که سینماها حق این را پیدا کرده‌اند که زمان پخش فیلم من، به‌جای ۱۲ سانس نمایش، آن را به یک سانس تقلیل دهند. اما فیلم دیگری را تا سانس ۲۳ در یک روز اکران می‌کنند، ولی فیلم من را فقط یک سانس و معمولاً ۱۱ صبح قرار می‌دهند که نفروشد! درواقع در چنین مسئله‌ای دخل‌وتصرف می‌شود. پس کسی که در فیلم من سرمایه‌گذاری می‌کند (که همیشه کسی هست) چه گناهی کرده که اولاً فیلم من اکرانش به تأخیر بیفتد و بعد هم زمان اکران چنین بلایی سرش بیاورند. به فلان آقاگفتم چرا چنین کاری می‌کنید که پاسخ داد سینماها دست ما نیست! ادراکی که سینماها دست خودشان است و سانس‌های ۱۷ و ۱۹ و ۲۳ که بیشترین تماشاگر را دارند به فیلم‌هایی که خودشان می‌خواهند می‌دهند. حتی در مورد فیلم «دل‌م می‌خواود» سینمای آزادی بیلبورد فیلم ما را گذاشته بود، ولی وقتی ختم دوستانش می‌خواستند فیلم را ببینند، گفتند نمایش نمی‌دهیم و فقط بیلبورد زده‌ایم!!!

کآ استدلال‌شان چه بود؟

استدلال ندارد. شما از چه کسی می‌خواهید سؤال کنید. خب شستری یک فیلم دیگر را انتخاب می‌کند. چندسال قبل یک راهسازی پیدا کردند و گروه «هنر و تجربه» را راه‌اندازی کردند، چون به من هم برای فیلم «حکایت دریا» پیشنهاد شد. گفتم طرفدار فیلم سینمایی خوب هستم، اما وقتی مهر «هنر و تجربه» روی فیلم می‌گذارید، یعنی «بفروش» نیست و همه می‌گویند خب فیلم هنری است و ترجیح می‌دهند فیلمی دیگر- را که در آن فلان هنرپیشه می‌قصد تماشا کنند! تعداد سینماها هم بالطبع برای این فیلم‌ها کمتر است. قبل از انقلاب همین گرفتاری را داشتیم و سینماها داشتیم و تعدادی فیلم‌های هنری ساخته شده بود که نمایش نمی‌دادند. من سینما «نیاکارا» در خیابان جمهوری را که هزار صندلی داشت برای سه سال کرایه کردم و قرار بود با فیلم «دایره مینا» افتتاح شود و بعد هم فیلم «گزارش» کیارستمی به نمایش درآید. سینما را تعمیر و رنگ کردیم، عزیز ساعتی را فرستادم سراغ کارگردانان هنری آن زمان که آن‌ها عکس بگیرد و در سالن عکس‌های کارگردان معروف نصب شد. تنها سینمایی بود که تخمه نمی‌فروختم، موسیقی فیلم و کتاب راجع به سینما عرضه می‌شد که الان خیلی‌ها این کار را انجام می‌دهند. روز عید فطر سال ۱۳۵۵ قرار بود این برنامه شروع شود. صبح مدیر تهیه یکی از فیلم‌هایی که کار می‌کردم گفت آقا خیلی بد شد. سینمای «نیاکارا» شب قبل سوخت! گفتم شوخی‌اش هم خیلی بد است. خلاصه رفتم و دیدم بله، تو در آسمان معلوم است!

کآ بگیری نکردید چه اتفاقی افتاده؟

چرا گفتند اتصال‌ی برق بوده. سینما نیاکارا تا به حال، دو‌س‌بار سرنوشت این‌چنینی داشته است.

هنر

گفت‌وگو با بهمن فرمان‌آرا، فیلم‌ساز

مهندسی پنهان ما را می‌کشد



عکس: سهراب سرنوشت

کآ بله. همان سینمایی که لیلا حاتمی و علی مصفا هم صاحبش بودند و سوخت!

بعد از ۴۰ سال رسیده‌ایم به این قضیه که رسماً مسئولان، فیلم‌نامه را می‌خوانند و می‌گویند نمی‌فروشند!!! گفتم شما تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار هستید؟ نمی‌فروشد یعنی چه؟

کآ این واژه «نمی‌فروشند» انگار به شمشیر داموکلس تبدیل شده!

اگر کسی می‌توانست تشخیص بدهد چه چیزی می‌فروشد یا نمی‌فروشد باید هیکلس را طلا بگیرند و به هالیوود ببرند، چون مسئولان کمپانی‌های بزرگ هم قاطعانه نمی‌دانند کدام فیلم می‌فروشد یا نمی‌فروشد!!!!

کآ ظاهراً استدلال‌شان این است که مردم اوقاتشان تلخ است. نظرتان چیست؟

مردم از فیلم‌های من اوقاتشان تلخ نیست. به اقتصاد و کم‌شدن ۸۰ درصد ارزش پولمان نگاه کنید. مردم حالشان از این نظر بد است. فیلمی که موضوعی جدی را مطرح می‌کند، حال ملتی را بد نمی‌کند.

کآ به نظر شما چه زمانی یک فیلم می‌تواند حال یک ملت را تغییر دهد؟ اصلاً دشنی است؟

این بهانه است. به نظرتان با یک کتاب و فیلم براندازی رخ می‌دهد؟! هیچ‌وقت نشده. همیشه «اقتصاد» نقش مهمی در چنین اتفاقاتی داشته. به این بهانه مزاری برای فیلم‌های هنری درست کردند به نام «هنر و تجربه».

کآ یعنی شما با کلبت «هنر و تجربه» مشکل دارید یا برجسی که به این‌گونه فیلم‌ها زده می‌شود؟ حرم‌ف این است که اجازه دهند مردم انتخاب کنند. اگر فیلمی فروش نرفت بعد از یک هفته از اکران بردارید. اما شما‌ها را طوری نتجپید که فیلم فروش نرود!

کآ یعنی «مهندسی پنهان»؟ اصلاً آیا مشکلات سینمای ایران فقط پخش فیلم است؟

قطعا نه! دلم می‌خواهد این گفته عنوان شود که هیچ فیلم‌سازی بابت فیلمی که ساخته است، نباید ممنوع‌الخروج یا زندانی شود. کجای قانون اساسی ما چنین اجازه‌ای داده شده است؟ کآ اتفاقی که برای رسول‌اف افتاد...

ما در ایران گرفتار چیزی شده‌ایم که سال ۱۹۴۷ در آمریکا دستور دادند که افراد نمی‌توانند هم‌زمان هم صاحب سینما، هم تهیه‌کننده و هم پخش‌کننده باشند، چون چنین موقعیتی ممنوبلی است، بنابراین قانون گذاشتند هر کسی می‌تواند یکی از شغل‌ها را داشته باشد. ما الان گرفتار همان شده‌ایم؛ یعنی صاحبان سینماها و کسانی که با سالن سینماهای مهم در ایران قرارداد دارند، خودشان تهیه‌کننده هستند و بهترین زمان اکران به فیلمشان تعلق دارد. این یک مشکل است

کاری ندارم. ولی زمانی که فیلم‌ها از اول اکران مشخص می‌شود مثل این است که شما من را از رینگ بوکس بگذارید، یک دستم را از پشت ببندید و بوکسور دیگر دو دستش آزاد باشد. خب معلوم است من بازنده خواهم بود. این سیستم مهندسی‌شدن به این شکل است. اشتباهاتی که صداوسیما می‌کند یکی‌دیگر از مشکلات است. زمانی می‌توانستند کمک سینمای ایران باشند و فیلم‌ها را بعد از سه سال در تلویزیون پخش کنند و پولی هم به تهیه‌کننده بدهند. کاری که همه‌جای دنیا متداول است؛ اما گفتند می‌خواهیم خودمان در «سیمافیلم» فیلم بسازیم.

کآ قبل از انقلاب هم «تل‌فیلم» بود.

اما فیلم اختصاصی برای تلویزیون نمی‌ساخت. «سایه‌های بلند باد» و «دایره مینا» برای سینمای معمولی بود نه تلویزیون.

کآ پس چرا «تل‌فیلم» تأسیس شد؟

چون وزارت فرهنگ و هنر وقت به‌خاطر سیاست‌های آقای پهلبد که تنها مشخصه‌اش به عنوان وزیر این بود که ولین بد می‌نواخت و البته داماد شاه هم بود، با تلویزیون مشکل پیدا کرده بود. این طرف در تلویزیون یک گروه جوان مثل هژیر داریوش، علی حاتمی و من هم شش سال در تلویزیون بودیم که با آن نوع فیلم‌سازی مشکل داشتیم. «تل‌فیلم» تأسیس شد تا تلویزیون بتواند فیلم‌های بهتر هم تولید کند؛ چیزی که قاعدتا باید وزارت فرهنگ و هنر می‌کرد که

نکرد! برای فیلم «گاو» مهرجویی، آقای پهلبد کلی بدویبراه به داریوش گفت که تو با این فیلم که ساختی به ما دهن‌کجی کردی و دیگر با کسی کار نکردند. مگر فیلم‌های مستندی که کامران شیردل ساخت که آن هم پخش سینمایی نداشت! اما «سیمافیلم» به جای اینکه به فیلم‌هایی که وزارت ارشاد می‌سازد، کمک کند، آنها را حذف کرد! در همه‌جای دنیا با پخش DVD و Vod فیلم‌ها به فروش خارج از سالن سینما کمک می‌کند. مثلا در آمریکا حق رایت اینها در خارج سه برابر فروش سینماها است. با این نگاه که آنجا ۳۵ هزار سینما وجود دارد.

کآ و ما ۲۷۰۰ سینما!

این تفاوت است. در «سیمافیلم» فیلم ارزان درست می‌کردند و اصلاً کاری ندارم به‌ماهیت فیلم‌ها که چقدر بد بودند که مجبور شدند شبکه «آی‌فیلم» را راه‌اندازی کنند که دائم همان فیلم‌های بد را نشان دهند. حتی در دندلپزشکی با دهان باز مجبوری تماشا کنی و همه‌جا این کانال را باید ببینی. صداوسیما و مدیریت اشتباهش باعث شد GEM درست شود؛ چون در داخل جواب تماشاگر را نمی‌دهند. چرا باید این همه تلویزیون شبکه‌های خارجی داشته باشیم که مردم برای اخبار واقعی داخل ایران به آنها گوش کنند؟ مهندسی دارد ما را می‌کشد.

کآ تحلیلتان از «پول‌شویی» در سینما چیست؟

هیچ‌جای دنیا پیداکردن سرمایه برای فیلم آسان نیست! چون از هر ۱۰ فیلم یکی پولش را برمی‌گرداند. این قانون سینماست. چون ۳۰ درصد را سینمادار برمی‌دارد، ۳۰ درصد پخش‌کننده و بقیه متعلق به تهیه‌کننده است که پول تبلیغات را هم او می‌دهد. از هر یک دلار یا یک تومان که برای فیلم خرج کنید، سه‌ونیم ریال به تهیه‌کننده می‌رسد و بقیه را پخش و صاحب سینما -که یک ساختمان الی‌الاید ساخته- دریافت می‌کنند. اینها مسئله‌ای نیست که من بگویم و دیگران ندانند. منتهای همه فکر می‌کنند اگر این حرف‌ها را بزنند، برای ادامه کار به مشکل برمی‌خورند. من اگر پول پیدا کنم، فیلم‌نامه دارم و فیلم می‌سازم. ولی پروانه نمایش دست شمامست. حتی در آمریکا، اتحادیه تهیه‌کنندگان پروانه نمایش را درجه‌بندی می‌کند و نمره می‌دهد. مثلاً اگر خشونت داشته باشد می‌گویند برای کمتر از ۱۸ سال ممنوع است. در کانادا شما اگر بخواهید هفت شب فردندان را به سینما ببرید اجازه نمی‌دهند چون می‌گویند بچه الان باید خواب باشد. یک‌بار باید این هفت‌خان رستم را طی و همین نظراتی که «نمی‌فروشند» را تمام کنیم! بعد فیلم را می‌سازی و در صف اکران می‌مانی. هر جوری که در وضعیت ما دقت کنید می‌بینید مدام می‌خواهند سینما نباشد. حالا سینما ساخته شده برای اینکه منفعت پیدا کرده است. قبل از انقلاب رادیوسینماداران اجازه نمی‌داد سینمای جدید درست شود چون سینمای شهرفرنگ و آتلانتیک و... فروش زیادی با بلیت دو، سه تومان داشتند.

کآ انحصاری بود؟

بله؛ کم‌اینکه‌که الان تغییر کاربری نداده‌اند. سینمای ایران، ترمپوئل، کریستال و البرز بسته شده‌اند؛ چون اجازه تیراجه کاربری ندارند، ولی سینما مایاک و برلیان (در خیابان استانبول) انبارهای بسیار سودده‌ای شده‌اند. کسی در اینجا برای تفریحات خانوادگی نمی‌آید و این سینماها فروش ندارند. اجازه دهند پاساژ و پارکینگ شوند. همه چیز با یک تبصره پیش نمی‌رود. سینمای رادیوسیتی هزارو ۸۰۰ نفر کنایش داشت که داروخانه شد. سینما فلسطین را وزارت آموزش‌وپرورش خرید. سینما پارامونت بسته است. خوشبختانه تئاتر کمی وضعیت بهتری دارد.

کآ چون نتاترهای خصوصی شکل گرفته؟

کسی باور نمی‌کند در شهر ما هر شب ۶۰ اجرا در سالن‌های صد و ۸۰ نفره وجود دارد، ولی دو تئاتر بزرگ داریم؛ تئاتر شهر و تئاتر وحدت که هرکدام تقریباً ۵۰ سال قبل ساخته شده‌اند و هیچ چیز به آنها اضافه نشده است.

کآ جشنواره هم اصلاً کاخ ندارد.

در تورتور هم تا ۱۰ سال قبل، کاخ نداشتند؛ چون دفتر جشنواره همیش در کرجا ۱۱ ماه‌بی‌کار است و یک ماه کار می‌کند. البته بی‌کار نیستند؛ چون در طول سال در جاهای مختلف فیلم می‌بینند که برنامه‌ریزی کنند. بنابراین کاخی که ساخته می‌شود باید بازدهی داشته باشد و تهران واقعاً نیاز ندارد. من خیلی سال قبل گفتم جشنواره فجر را به شیراز یا شهر دیگری غیر از تهران ببرید.

کآ چرا؟

چون همه چیز در پایتخت هست. جشنواره کن به این خاطر در این شهر است که کن دمی است که سه ماه در سال تورست دارد. ماه می را به‌عنوان فستیوال اضافه کرده‌اند که شهر درآمد داشته باشد. بعد از آگوست، به سپتامبر هم یک ماه فستیوال‌های تلویزیونی گذاشته‌اند. سه ماه را پنج ماه کرده‌اند تا این روستا درآمد داشته باشد. بعد از فستیوال این روستا تورست ندارد. ما هم می‌توانیم با هجوم مردم از جشنواره‌ها به شهرهای دیگر کمک کنیم. هتلا‌ها هم پر می‌شود. در این سینما استعدادهای زیادی هست. آقای روستایی و ۲۶ و ۲۸ سالگی فیلم ساخته. هرجای دیگری بود مثل اسپیلیبرگ، امکانات در اختیارتش می‌گذاشتند. حالا شما شاید یک بخش‌هایی از فیلم‌هایش را دوست نداشته باشید. همین‌طور درمیشیان، فرهادی، جلیلودن و افراد دیگر. هیچ سینمایی مرتب کارگردان جوان خوب صاحب سلیقه ندارد. حالا ما پناهی، مهرجویی و کیارستمی داشته‌ایم.

ادامه در صفحه ۱۲

زیر درختان زیتون

اتریشی‌ها هنر ایرانی را به تماشا گذاشتند

● گروه هنر: هم‌زمان با روز شعر و ادب فارسی نمایشگاه «برخورد هنری گروه نقاشان سالمند اتریشی» در محل تالار راینزی فرهنگی ایران در وین برگزار شد.

به گزارش راینزی فرهنگی ایران در اتریش، این نمایشگاه با حضور ۱۵ هنرمند اتریشی همراه بود که بیش از ۷۰ سال سن داشتند و در دوران بازنشتگی، در دوره‌های آموزش نگارگری میترا شاهمردی، هنرمند نقاش ایرانی مقیم اتریش، آموزش دیده بودند و آثاری برگرفته از تصاویر کتاب‌های مینیاتور ایرانی را به نمایش گذاشتند.

در آیین افتتاح این نمایشگاه که با حضور جمعی از دیپلمات‌های سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتریش، استادان دانشگاه، هنرمندان اتریشی و تعدادی از ایرانیان مقیم همراه بود، مهرداد آگاهی-راینزن فرهنگی ایران در اتریش، ضمن خیرمقدم به حاضران، یادآوری کرد: «ایرانیان با سابقه چند هزار ساله در هنر بسیاری از مطالب و مفاهیم را با شعر منتقل می‌کردند؛ رودکی از نخستین شاعران بزرگ پارسی‌گوی ۱۲۰۰ سال قبل می‌زیسته و فردوسی حدود هزار سال قبل شاهنامه را سروده و مولانا و سعدی نیز در حدود ۸۰۰ سال پیش و حافظ شاعر نامدار شیرازی در حدود ۷۰۰ سال قبل زندگی می‌کرده‌است. کوته شاعر بزرگ آلمانی حدود ۵۰۰ سال بعد از حافظ اثر معروف دیوان شرقی غربی را سرود و تقدیم به حافظ کرد و در بین بزرگان ادب، حافظ و کوته را همچون برادر می‌دانند.»



آگاهی گفت: «این پیوند معنوی توسط یک ادیب و مترجم بزرگ اتریشی به نام هامر یوکرشتال که به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی استانبولی مسلط بود و به‌عنوان یک دیپلمات و مترجم در کشورهای مختلف خدمت می‌کرد، زمانی که در عثمانی حضور داشت دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرد و این اثر به دست کوته رسید و کوته که بیش از ۶۰ سال سن داشت، در اوج پختگی شیفته حافظ شده و امسال حدود ۲۰۰ سال از نگارش دیوان شرقی غربی کوته می‌گذرد، به تعبیر او، بسیاری از اهالی علم، فن، تاریخ و هنر علاوه بر توضیحات مکتوب، تصاویر نگارگری را به متن نیز می‌افزودند. برای مثال در شاهنامه طهماسبی علاوه بر اشعار، داستان‌ها نیز نگارگری شده و با ظرافت، تصویری خلق شده که هر بیننده‌ای را مجذوب کرده است و این آمیختگی شعر و تصویر انتقال فرهنگ و روح لطیف را جاری و ساری می‌کند. راینزن فرهنگی ایران در اتریش توضیح داد: «هنرمندان حاضر در نمایشگاه، پس از فراغت از کار بیش از قبل به فرهنگ و هنر توجه کرده‌اند و با خلق آثار ایرانی بر غنای پیوند فرهنگی دو کشور می‌افزاید که باعث آرامش روحی خود و بینندگان و تأثیر مثبت بر محیط خود می‌شوند.» در ادامه برنامه میترا شاهمردی، هنرمند نقاش و مدرس نگارگری ایرانی، با توضیح چگونگی این برنامه‌ها که در دو سال گذشته افراد زیادی را به فرا خود جذب کرده‌اند و با علاقه این شهروین آگاه شده است، به مدت سه هفته -هر روز- از ساعت ۱۳ تا ۱۶ برای بازدید علاقه‌مندان برقرار است.

سالم صلواتی «پدران» را جلوی دوربین برد

● گروه هنر: «پدران» جدیدترین فیلم سینمایی سالم صلواتی پس از «زمنستان آخر» کلید خورده و هم‌اکنون فیلم‌برداری آن در لوکیشن‌هایی در شهر همدان و حوالی آن ادامه دارد. در این فیلم که علیرضا تانی‌فر نقش اصلی آن را بر عهده دارد، هدایت هاشمی و گلاره عباسی نقش‌های بسیار متفاوتی را جلوی دوربین این-کارگردان جوان با مدیریت فیلم‌برداری مرتضی پورصمدی ایفا می‌کنند. نویسنده پدران محمدرضا گوهری است که فیلم‌نامه فیلم‌های موفق‌سی مانند «خیلی‌دور خیلی‌نزدیک»، «رخ دیوانه»، «یه جبهه قد»، «ملکه» و... را به نگارش درآورده است. شهرام مسلخ‌ی که پیش از این در سمت کارگردان در سینما مشغول به کار بود، برای نخستین‌بار پدران را تهیه کرده است. گفتنی است سالم صلواتی با فیلم «زمنستان آخر» به شهرتی بین‌المللی رسید و این فیلم جوایز متعددی در جشنواره‌های بین‌المللی از جمله جشنواره فیلم بیروت، زردآلوی طلایی ارمنستان، بغداد و... از آن خود کرد. فیلم‌ها کوتاه «رؤیاهای برقی» و «آینه‌های پریده‌رنگ» از زمره فیلم‌های کوتاه او به‌شمار می‌آیند که این-فیلم‌ها نیز هم در ایران و هم به صورت بین‌المللی مورد تحسین واقع شده‌اند.